

اقتصاد کیش

روزنامه

اوقات شرعی کیش: اذان صبح فردا: ۵:۱۰ - طلوع آفتاب: ۶:۲۶ - اذان ظهر امروز: ۱۲:۰۸ - غروب آفتاب: ۱۷:۴۹ - اذان مغرب: ۱۸:۰۶

کیش	بندر عباس	قشم	بندر لنگه	میناب	بستک	بندر چارک	پارسیان
▲ ۲۳	▲ ۲۶	▲ ۲۴	▲ ۲۶	▲ ۲۷	▲ ۲۹	▲ ۲۶	▲ ۲۸
▼ ۱۹	▼ ۱۵	▼ ۱۸	▼ ۱۶	▼ ۱۳	▼ ۱۲	▼ ۱۶	▼ ۱۷

شهاب عزیزی خادم از ریاست فدراسیون فوتبال بر کنار شد



سرویس ورزشی - شهاب‌الدین عزیزی خادم کمتر از یکسال بعد از انتخاب به عنوان رئیس فدراسیون فوتبال، از سوی هیات رئیسه بر کنار شد. به گزارش اقتصاد کیش در جلسه پنجشنبه گذشته هیئت رئیسه که در مرکز ملی فوتبال برگزار شد، هر ۸ نفر به عزل شهاب‌الدین عزیزی خادم از ریاست این فدراسیون رأی دادند. طبق اساسنامه، حضور حیدر بهاروند و حمیدرضا مهرعلی نواب رئیس اول و دوم فدراسیون فوتبال در فدراسیون و هیئت رئیسه غیر قانونی است و به همین دلیل این دو اجازه حضور در جلسه را پیدا نکردند تا تعداد افراد دارای حق به ۸ نفر برسد. هر ۸ نفر به برکناری

عزیزی خادم رأی دادند تا او با رأی قاطع از فدراسیون اخراج شود. بهرادر سراجی، احسان اصولی، بهرام رضاییان، احمدرضا براتی، میر شمساد ماجدی، شهره موسوی، طهمورت حیدری و خداداد افشاریان اعضای حاضر در نشست برکناری رئیس فدراسیون بودند. عزیزی خادم نیز در هیئت رئیسه حضور داشت اما چون رأی گیری درباره خودش بود، حق رأی نداشت. طبق اساسنامه طرف مدت سه ماه، مجمع فدراسیون فوتبال باید بر گزار و موضوع برکناری عزیزی خادم در آنجا به رأی گذاشته شود. هم چنین پس از تصویب برکناری عزیزی خادم از

شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۰، ۱۷ رجب ۱۴۴۳، ۱۹ فوریه ۲۰۲۲، شماره ۳۹۱۸ (دوره جدید) - ۱۲ صفحه - قیمت ۵۰۰۰ تومان

انسان‌ها را از دور دوست داشتن، کار دشواری نیست. دوست داشتن آنهایی که به ما نزدیک هستند، کار دشواری است. بخشیدن یک کاسه برنج برای سیر کردن یک گرسنه، بسی آسان‌تر از کاهش تنهایی و درد و رنج انسانی رانده شده در خانه خودمان است. عشق را به خانه خود بیایید؛ چرا که عشق ورزیدن به یکدیگر را باید از خانه آغاز کنیم.

مادر ترزا

آموزش آشپزی

سوفله اسفناج و پنیر

مواد لازم:

- آرد سوخاری ۳ قاشق غذاخوری
- برگ‌های اسفناج ۳۰۰ گرم
- ۳ قاشق چای خوری کره
- ۴ قاشق غذاخوری شیر بدون چربی
- یک و نیم پیماونه نمک
- ۱/۲ قاشق چای خوری فلفل سیاه تازه ۱/۴ قاشق چای خوری سفید تخم مرغ جداگانه ۲ عدد
- پنیر پارمزان رنده شده ۲ پیماونه
- انوک انگشت

روغن به مقدار کافی
طرز تهیه: فر را با دمای ۱۹۰ درجه سانتیگراد روشن کنید تا گرم شود. ۶ عدد قالب یک نفره با گنجایش ۲۲۰ گرم را با کمی روغن چرب کنید و کمی آرد سوخاری کف قالب بپاشید. قابلمه‌ای را تا ۳ سانتی متر از آب پر کرده و سبذ پنیر را در روغن بجارید و با صبر کنید روغن حرارت به جوش آید. برگ‌های اسفناج را ۳ دقیقه بخارپز کنید و سپس بلافاصله در آب یخ بیندازید تا پختشان متوقف شود سپس آبکش کرده و آب اضافه‌شان که رفت در غذاساز خرد کنید برای تهیه سس شامل کره رازوی



پیک ششم: بیمارستان هادر سیطره امیکرون

شاورما لبنانی (عربی) قیس

shawarma

- کل کاوزبان
- فلافل عربی
- شاورما عربی
- پیراشکی
- مینی پیتزا
- سمبوسه
- لقیمات
- فطایر
- چم چمو
- دونات
- کیک
- کافه میکس
- قهوه ترک
- اسپر سو دارک
- شیک شکلاتی
- دمنوش گیاهی
- چای کرک
- قهوه فرانسه
- شیر زنجبیل
- چای

انواع نوشیدنیهای گرم و سرد شیرینی و غذاهای عربی

جزیره کیش / صغین قدیم / روبه روی خانه بومیان

۰۹۱۷۹۶۴۲۶۱۱

کنکور

محکمی بود که روی باورهایم نواخته شد و اگر پیکان رنگ خورده و چراغ جلو شکسته ای روی خط غایر پیاده بوقی معند نکشیده و از پنجره سرش را بیرون نیاورده و «جلو تو نگاه کن» بلند می‌گوید... از صدای بلند به دست خیری نبود... از صدای بلند خنده و مشت‌هایی که به شوشی حواله بازمی‌دهد... می‌کند معلوم بود با جایی خوبی قبول شده‌اند یا برایشان مهم نبوده... نتیجه... مبهوت بودم مثل کسی که نتوانسته خشایش را بیجای دهد و غوغای او را با اطمینان صذر درصد از هدف گیری اش می‌چکاند و تیرش به خط می‌رود. کمی جلوتر از دکه پیچیدم توری پارک و روی اولین نیمکت خالی رو به فواره نشستم. برای یک سال تمام ذهنم را یک آرزو پر کرده بودم و حالا تهی شده و خالی زل زده بودم به باریکه‌ای که بالا می‌رفت و کمی بعد زیرش خالی می‌شد و در هر بار صدای شالاب پایین ریختن خودم را می‌دیدم... آفتاب حساسی بالا آمده بود. گرمای ظهر تابستان، خستگی، ضعف و... دست به دست هم دادن تا راهی ام کشند. ایندک زورت به پودنت نکشد... سخت و دردناک است اما اینکه قد زورت پودنت را انتخاب کنی و نشود دیگر هیچ توجیهی ای ندارد. یک جور دل‌زدگی از یک بی‌عدالتی بی‌دلیل راهی

عصبانیت، نوبت به من نمی‌رسد که روی گرفتن یک تاکسی معمولی راهم نداشتم و هیچ‌گاه در تاریخ تجربیاتم نشده بود که تیزتر از دیگران دستگیره سواری مسافرکش را بگیرم و در راهی هیچ شرمندگی روی غرولند بقیه نبندم. ترجیح می‌دادم مسیرها را پیاده بروم ولی هر بار خودم را در چالش خفت‌بار بی‌عرقی محک می‌زنم. صدای هوار و اعتراض که بالا رفت صاحب دکه قید سود فروش را زد. شایدم ترسیدم خشم جمعیت مقطرب آسبیبی به چند تیر و تخته دکاهش بزند. داد کشید که اگر فقط خیر مهم است و خود روزنامه را نمی‌خواهم کتابخانه شهر یک نسخه از آن را و بوق پوزن بند دیوار اعلانات کرده و من و تمام کسانی که می‌دانستیم اگر روزنامه هم بیاید سهم ما می‌شود کج کردیم سمت کتابخانه و قاتی دیگری شدیم که جابه‌جا می‌شدم. چشمان آستیکمات و نزدیک بینم به زحمت روی فونت ریز بالای سرم زوم می‌شد و دور دومی که ردیف به آخر رسیدم رفتم و رفتم از پاس و سر خوردگی بسم راند. به عقب. من به هزار دلیل خودم را قوت زرفتم داده بودم. در انتخاب هایم آن قدری که به رفتن فکر کرده بودم به علاقه‌ام کاری نداشتم اینکه حتی علاقه‌ام را هم به مسلخ ببری و نشود سیلی

اسممان را توی روزنامه باید پیدا می‌کردیم. قرار بود برای اولین بار در تمام سال‌های زبسته‌مان آن قدر مهم شویم که روزنامه‌ای در یکی از چاپ‌هایش اگر خوب درس خوانده بودیم اگر درست و مستقیم از ما بیرون می‌آید و در تمام روزها در دسترس ما بودیم. قایلانم بدانند و اسممان را بین هزاران اسم ناشناخته دیگر با ریزترین فونت مجاز میان ستون‌هایی بیخ هم جا بدهد. هم نام و نام خانوادگی ما را هم یک عدد چند رقمی که در دنیای ارقام و اعداد جزء مهم‌ترین و حساس‌ترین‌های زندگی مان به حساب می‌آمد. آن چند رقم بود که تعیین می‌کرد یک ماه دیگر کجا می‌رویم و چهار یا شش یا ده سال دیگر پشت کدام میز یا روی کدام سکوی نفتی معدن... یا در اتاق عمل کدام بیمارستان جا داریم. خودمان و تمام کسانی که با غرض و بی‌غرض رد درس خوانده‌مان را داشتند هم‌زمان می‌فهمیدیم قرار است چه اتفاقی بیفتد. ماجرا عیان‌تر از آن بود که دروغ مصلحت‌میز را بر تاباید یا بتوان پیاز داغش را به ضرورت کم‌زور کرد. دکه دور میدان که روزنامه‌هایش در سبده شصت و چهار روز سال معمولاً زیر پاره آفتاب می‌خورد و در بهترین حالت سرتیتر خیرهایش توسط رهگذران سرسری خوانده می‌شد حالا از سر صبح صاف بود. حجم از دحام و شلوغی‌ای که لحظه به لحظه زیاد می‌شد معلوم می‌کرداگر روزنامه هم بیاید میان آن همه پسر و دختر سرسوزیان دار بی

چطور می توانم از مادری کردن در حق همسرم دست بردارم؟

حرف های بچگانه زدن چطور؟ به عقیده من کمی با لحن کودکانه حرف زدن کاملاً طبیعی است، چون این راهی است بسیار صحیح برای درمیان گذاشتن احساسات آسبیب پذیرمان، اما چنانچه با نامزد یا همسر تان حرف های بچگانه می‌زنید، این یک مشکل شمرده می‌شود. وقت آن رسیده که رفتاری با لغانه داشته باشید.

از انجام دادن کارهایی که همسر تان میتواند خودش انجام دهد، جلوگیری کنید

رفتار مادرانه داشتن در حق همسر تان بمانند اعتیاد است. همانطور که در خصوص تمامی اعتیادها هم صادق می‌کند و تنها راه نجات، ترک کردن است. این بدان معناست که وقتی همسر تان می‌پرسد، کیدهایم کجاست؟ به او بگویید نمی‌دانم. اجازه دهید خودش دنبالش آن ها بگردد. وقتی که برای مناسبیت مخصوصی می‌خواهد خودش لباسش را انتخاب کند، نگویید که می‌بایست کدام لباس را بپوشد. وقتی که لباس‌هایش را روی زمین می‌اندازد، آن ها را برایش جمع نکنید. چنان که همسر تان عادت دارد کارهایش را برایش انجام دهد، امکان دارد قدری طول بکشد تا خودش را با این رفتار جدید وفق بدهد. در ابتدا ممکن است برایش مشکل باشد.

مهربان باشید ولی...

قوانین جهانی موفقی

۳۳. قانون تجسم

هر چیزی را که در فکر داشته باشید بر روی تفکر، احساس و رفتار تون تاثیر می‌گذارد.

بنابر این دنیای شما به تصویر ذهنی که داشته اید تبدیل می‌شود. تجسم خود را از زندگی رویای و زیبا کنید تا برای شما اتفاق بیافتد.

وحشی باقعی

گرد آن خانه بگردم که در او خلوت تست سگ طالع شومش کیست که همصحبیت تست چشم ما را نرشد بیشتر از بام و دری ای خوشا دولت آن دیده که بر طلعت تست و چه بامست که جاروب کشش دیده من جان من بنده آن پای که در خدمت تست همه بر راده رشکیست که در جام منست قهقه شیشه که در انجمن عشرت تست رخصت مجلس و پر وصل تغافل ای شوخ این زیاد از تو و از حوصله طاعت تست هجر بگزیدنت از وصل دلا وضع تو نیست اختراع نیست که خود کرده و این بدعت تست وحشی از تست که مانیز به بیرون دریم مانعی نیست، اگر هست همین دهشت تست

کاریکاتون

اقتصاد کیش

روزنامه

پر تیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹